

هفته‌مین سالانه

و پنجمه

مجلسه

مکتب تشیع

اثر جمعی از دانشمندان

محرم الحرام ۱۳۸۵

اردیبهشت ماه ۱۳۴۴

چاپخانه علی‌ششم

فهرست

موضوع	صفحه	نویسنده
بررسی امور مذهبی در ایران	۴	هیئت تحریریه
قرآن ، قانون اساسی ما	۱۷	جناب آقای سید هادی خسرو شاهی
ارزش انسان	۳۱	« مصباح یزدی »
در راه یک فورم تبلیغاتی	۳۳	« محمد جواد حجتی کرمانی »
مقام طبیعی کربای رازی	۴۵	« دکتر محمود نجم آبادی »
جهاد، حد نهائی تکامل مبارزه ملی	۶۴	« جلال الدین فارسی »
واپسین فریاد	۱۰۱	« پرویز خرسند »
عید قربان . قربانیان راه حق	۱۱۱	« حاج سید محمود طالقانی »
آیا اسلام دین خون و شمشیر است	۱۲۷	« صالحی نجف آبادی »
اسلام و اخلا لگران	۱۳۸	« مصطفی زمانی »
قبل از مطالعه این غلط را تصحیح فرمائید - آخر صفحه ۳۲		
(بقیه در صفحه ۱۱۵) صحیح آن (بقیه در صفحه ۱۳۳) است		

نظر باینکه چاپ مکتب تشیع از صفحه ۱۴۴ متوقف گردید امید است که
بعداً بقیه مباحث آن بصورت دیگری تقدیم خوانندگان محترم گردد

بحث ذیل خطبه ای است که حضرت آیه الله

طالقانی پس از نماز عید قربان (۱۳۸۳)

طابق ۳- اردیبهشت (۱۳۴۳) ایراد فرموده اند:

عید قربان

قربانیان راه حق

معنی لغوی عید:

عید از عود بمعنای برگشت است، و در اصطلاح هنگام یارو زیست که در آن تکرار و تذکر فرح انگیز و امیدبخش باشد، یا از جهت سرور و خوشی و یا از جهت فوایدیکه عاید فرد یا جمع و یا ملتی میگردد.

حال به بینیم آنچه را از جنبه انسانی و بشری برای بشر عوائدی در بر دارد و مطلوب است چیست؟

در مجامع بشری روزهایی برای تذکار و جشن و خوشی سابقه زیاد دارند. این اعیاد را میتوان بچند قسم تقسیم نمود: **عید فصل** که بمناسبت تحول در عالم طبیعت جشنی بر گزار میکنند. مثل عید نوروز ما ایرانیها که از سرما و جمود زمستانی بیرون میآئیم و داخل در جهان حرکت و جنبش و نشاط طبیعت میشویم. (در ایران باستان اینگونه انبیاد زیاد بوده است مثل سده (۱۰ بهمن) **مهرگان** (۱۶ مهر ماه) و هر روزی از ماه که نام آن روز با نام آن ماه یکی است. و غیر از ایران شاید هیچ کشوری به جشن های فصلی تا این حد اهمیت نمیداده است). و **عیدهای**

که جنبه تشریفاتی دارد و رمزی نیست و گاهی هم جنبه تحمیلی دارد، جشن‌هایی که بمناسباتی برای قدرت‌مندان تأسیس میشود این جشنها عموماً شخصی یا برای تحکیم قدرت‌های فردیست که البته پایدار و دائم نیست. قسم دیگر عیدهایی که منشأ تحولاتی شده این جشنها در چند قرن اخیر بیشتر معمول شده اعیاد ملی و اجتماعی نامیده می‌شود مانند انقلاب کمبیر فرانسه؛ انقلاب کارگری، انقلاب بلشویسم روسیه؛ انقلاب مشروطیت ایران، روز استقلال مستعمرات از بند رسته و غیره . . .

منشأ اعیاد و جشن‌ها : منشأ اینگونه جشن‌ها و عیدها نمونه حرکت فکری و اجتماعی و نظرهای تحوای و آزادیخواهی میباشد که در افکار مردم ریشه‌ای دارد، جشنهای قسم اول اعیاد طبیعی است که مربوط بنظام طبیعت و خارج از اراده بشر است، زیرا آنرا نظام خلقت و طبیعت باراده مدبر لیل و نهار و محول احوال پیش می‌آورد.

اما جشنهای قسم دوم که بدست و اراده بشر صورت می‌گیرد باید بررسی کرد که بشر برای چه تحوای ارزش‌قائل است چه این تحوّل بدست فرد صورت گرفته باشد چه بوسیله اجتماع، زیرا اگر منشأ آن فرد باشد نتیجه اش با اجتماع بر میگردد، چنانچه يك اجتماع هم منشأ تحوّل شده باشد، باز از این جهت ارزش دارد که این تحوّل بدست خودشان صورت گرفته است.

تحوّل یعنی از وضعی بوضع دیگر برگشتن، این دگرگونی هم ممکن است پیشرفت و بسوی جلو باشد و هم بازگشت بعقب و مرجعانه که شق اخیر عزا است نه عید. ولی اولی را میتوان گفت تحوّل

تکاملی اجتماع ، یعنی مجموعهٔ افرادی که از جهت فکری و عقیدتی جامعه را تشکیل داده اند و این تحول باعث رشد و ترقی و ازمنشاً شخصیت و قدرت يك ملت است . مثلاً برای ایرانی ها تأسیس قانون اساسی و اجراء آن عید است و بمناسبت آن سرش را بلند میکند و میگوید : بلی ، ما آنقدر لایق بودیم و شخصیت داشتیم که توانستیم استبداد را بمشروطیت بدل کنیم !!

پس قبل از تحول و پس از تحول اجتماعی هر ملت آنچه مهم است تحول فکری و روحی افراد است . اصولاً از نظر فلسفی ممیز و مشخص انسان وجود تکاملی او است . بهر صورتی هست بر گشتش باینست که وضع روحی و فکری و اخلاقی و در نتیجه اجتماعی خود را تغییر دهد . محرك کمالی انسانی او را نمیگذارد که آرام و راحت بنشیند . اگر بمال و آسایش توجه کند و بسوی آن بر گردد ، میخواهد به منتهای حد مطلوب خود برسد و هر قدر انسان ثروت و آسایش داشته باشد . چون بحد مطلوب خود رسید یا چنانچه از رسیدن بحد مطلوب مأیوس شد آیا در همانجا و پای آن می لمد ، اساساً محرك انسان تکامل است ، یعنی انسان هر چه میتواند ، میخواهد که خود را از عالم حیوانات بالاتر گیرد ، اگر باو نسبت حیوان بدهند بدش میآید . اگر چه کارش حیوانی باشد و جز خوردن و خوابیدن کاری نداشته باشد . این سر واقعی تکامل بشری است .

مرحله انسانیت چیست ؟ از خصوصیات انسان اینست که با وجود داشتن مشترکاتی چون خوردن و خوابیدن و تولید مثل با حیوان ، چون حیوان همیشه محکوم شهوت و غضبش نیست بلکه میتواند و می خواهد که حاکم بر آنها باشد و هر چه نیروی عقل و فکر صحیح بیشتر بر

غرائز و عواطفش^۱ حاکمیت پیدا کند انسانیتش بالاتر و بیشتر است. ممکن است علم شخص عالم تا اندازه ای باین صفتش کمک کند ولی قدرت آن رانداشته باشد ولی یک شخص عامی امکان دارد در اثر ایمان نظری قاطع این قدرت رانداشته باشد و تا آنجا دنبال میل و شهوت رود که به شخصیت انسانیش ضرر نزنند.

عید واقعی: بنا بر آنچه بیان شد عید واقعی برای انسانیت تحقق این آرزو است که برای افراد تا اندازه ای در یک اجتماع کوچکتری تحقق پیدا کرده باشد. **عید واقعی عید تحول و تکامل است** البته تحول و تکاملی که با فکر و آیدآل هم مربوط باشد. روزهای ولادت و یا پیش آمدهای فردی که سر تکامل و تحول در آن نمودار نباشد تحمیلی و تشریفاتی است، زیرا اگر آن مولود انسان بمعنای صحیح نباشد با توالد و تناسل با سایر حیوانات فرقی ندارد. «**اولئک کا لانمام بل هم اضل سمیلا**» و اگر فرد شایسته و دارای مقام انسانی باشد همان تذکار مقام عالی انسانی میباشد.

همچنین عیدهای تشریفاتی و عاطفی و طبیعی عید بشریت نیست مگر آن اندازه موجب رشد و ترقی باشد یا آرمانی در بشر ایجاد کند مثل عید مشروطیت ایران و روزهای استقلال و آزادیهای ملل.

عید واقعی آنست که هر حله تکامل را در افراد محقق کند

آن عید چیست؟ عیدی که بشر بتواند برای مدتی گرچه معدودی هم که شده بر شهوات و منافع شخصی خود غالب شود و هدفش آنقدر بالا باشد که جز خدا را نخواهد و با توجه بعظمت پروردگارش برای خود آنقدر عزت نفس نخواهد که اختلافاتش را با دیگران ازین بیروهمه در کنار هم

بصالح و صفا زندگی کنند.

اعیاد اسلامی: اسلام که دین فطرت و دین تحول و تکامل است

تذکرها و جشنها از نظر اسلام دو قسم است:

یکم روزهای تذکریست که بنام ولادت شخصیت‌های بزرگ تأسیس میشود که یاد آن موجب توجه بشخصیت عالی انسانی و تعالیم و اخلاق و راه روش آن شخصیت است که جنبه تذکری دارد و همچنین جشن **عید غدیر** برای شیعیان، زیرا در روز عید غدیر نمونه ای از یک ولایت تامه پی ریزی شده هم توجه بشخصیت «ولی» وهم به سر خلافت و ولایت بحق و الهی است. جشن غدیر و تذکار آن. آنقدر مهم و مؤثر است که آرزوی چنین ولایتی و تحقق آن همیشه باید زنده باشد. جشن یاروز ولادت پیغمبر ﷺ و ائمه هدی ع علیهم السلام. تذکار شخصیت و هدفها و تعالیم آنان است، پس اینگونه اعیاد که برای شخصیت‌های عالیقدر سنت شده فائده آن همان عوائدیست که عاید مردم میگردد.

دوم همان تحقق تحول و تکامل مقام انسانی است که بنا فکر و اید آل همراه می باشد که مظهر شاخص آن در اسلام یکی عید فطر است بعد از ماه مبارک رمضان، که یکی از اعیاد واقعی اسلام بلکه بشریت است در این اجتماع که بعد از اتمام ماه تشکیل میشود اعلام می دارد که انسانها و افرادی باین مرحله از انسانیت رسیده اند که بر شهوات و آرزوهایشان مسلط شده و از آن برای مدتی رسته و حاکم بر خود شده اند (۱)

(۱) در حدیث انما جعل يوم الفطر العید لیکون للمسلمین مجتمعا یجتمعون

فیه فی حمدون الله علی ما من علیهم - روز فطر عید قرار داده شده تا اجتماعی برای مسلمانان باشد که در آن روز گردهم آیند و خداوند را در برابر منتی که بر آنها نهاده سپاسگزاری کنند.

دیگر عید قربان است، که از مناسک مکمل حج است

حج و اعمال آن

حج اعمال و مناسکی است که مراحل منازل عبادت خدا و راه تکمیل ایمان و اخلاق میباشد. حج با مخاطرات فراوانی همراه است و مبنایش هم همین است (که این معبد و قبله عمومی مسلمانان در آن دره گرم و سوزان و بد آب و هوا قرار دارد) اگر خانه خدا در دامنه کوه شمیران بود همه حاجی میشدند مثل زائرین اما مزاده داد. یا اگر در دامنه کوههای لبنان تأسیس میشد همه گونه مردم با نجاروی میآوردند و هیچگونه موجب آزمایش ایمان و اخلاق و مظهر آن نمیشد.

اما مرکز و محل انجام مراسم را در بیابان پرتی برده که نه گلو سنبل دارد و نه مرکز تجارتنی (و صنعتی) است فقط جنبه خدائی دارد. همه لباسهای مختلف که عنوان شغل‌های مخصوص و شعارهای طبقاتی است از تن می‌کنند تا فاصله‌های لباسی بطور موقت از بین برود تا بیش از هر چیز خود را انسان و بنده خدا بنگرند. این شعور بعظمت خدا و بندگی خدا بصورت شعار، **لَبِيكُ اللَّهُمَّ لَبِيكُ، لَبِيكُ، اَعْيُ اللَّهُ . . .** سیاه و سفید، غنی و فقیر، حاکم و محکوم، کارگر و کارفرما همه یکسانند.

این وضع تا اندازه‌ای آرزوی بشریت را (مبنی بر وحدت و صلح و صفا) تحقق بخشیده است عید آرزو و ایده‌های تخیلی نیست. حتی جمعیت‌هایی که میگویند مرام و مسلک ما تحقق یافته است، مینگریم با عمل خیلی فرق دارد، یکی از رفقا کاخ نشین است و دیگری در معدن‌ها جان می‌کند، ولی اسلام میگوید همه رفقا و برادران در یک صف هستند. آنها که خیال میکنند دستورات اسلام آید آلی است اشتباه میکنند تا آنجا

که ما تشخیص دهیم و قدرت عملی کردنش را داشته باشیم عملی است .
 این تحقق و عملی شدن وحدت و رفع امتیازات و اختلافات است
 که همه طبقات از بالا و پائین بیک زمان (ودریک سطح) میگویند. **الله**
اکبر . لباس های رنگارنگ و مختلف را در می آورند و یکسان میشوند
 زیرا این بشر کوتاه فکر است که بالباس نو و شعار پوشش گردنش را با
 لباس راست نگه میدارند و خود را کم میکنند و حال آنکه او است که
 انسان است و لباس با و مقتخر است نه او و لباس و این از بدبختی و بیچارگی
 بشر است . انسانیت نه لباس است نه بدن ، بلکه عقل و ایمان و هدف
 داشتن است . چون احرام پوشیدیم بجهت آدم و بنده خدا میشویم . پس
 از آن طواف و سعی است که گویا رمز تغییر محور فکرو اندیشه و عمل
 میباشد . تا از محور خود پرستی و مال پرستی بسوی خدا و حق پرستی
 برگردد .

البته محور گردش چند سنگ رویهم چیده شده بیش نیست ولی
 رمزیست از خدا و از توحید . آنان که میگویند ما روشنفکریم و احتیاج
 به پرستش خدا نداریم ، خود پرست و موجود پرست میباشند ، همین گونه
 مردمیکه بعقیده خود از ایمان بخدا و حق مطلق رهائی یافته هوی
 و موجودات ضعیف و ناتوان را میپرستند ، هیچ کس نمیتواند از پرستش
 آزاد ورها باشد . همانها که از قبله خدائی و وحدت مطلق روی میگردانند
 بسوی کاخهای سیاسی جهان که مرکز استعباد و استثمار بندگان است
 روی می آورند و چشم اعجاز و قدرت و دستگیری بآنها دارند .
 چون شخص از فواصل و ممیزات لباس بیرون آمد و بگرد حق و
 رمز آن طواف نمود - پس از آن در روز نهم باید در بیابان عرفات خود را

برساند در آنجا فاصله و ممیز دیگر که انسانها را از شناسائی حقیقت خود و دیگران دور داشته . که فاصله بناء و ساختمان است خارج میشود . همینکه این پرده‌های امتیازات لباس و ساختمان از میان رفت و خود را طائف اراده و خواست خدا دید مراتب عرفان بخود و حقوق دیگران باید رخ نماید (عرفات !!) در همه این مراتب محرکهای شهوانی و خشم و هواها باید مقید شود و بهیچ موجودی حتی جانوران و حشرات کوچک نباید تعرض نماید چون همه آنها بخودی خود حق حیات دارند ، تعرض با آنها و کشتن حیوانات استثنائی است در اینجا و در آن شرائط اگر حیوانی را کشت باید گوسفندی قربانی کند ، در این مقام با تعرض بحیوانات و جانوران و محرکات حیوانی بزندگی نازل عادی خود برگشته و باید در مقامیکه خود را از همه اینهارها ندهد و بمقام عالی انسانی رسانده همینکه برگشت فدیهدد **«لارفت ولا فسوق ولا جدال فی الحج»** بحسب همین احراز شخصیت انسانی و دستورات ، قریب یک میلیون نفری که برای انجام مراسم حج در آنجا جمع میشوند هیچ تصادمی ندارند و همد باهم زیر نظام الهی هستند حتی اتوموبیلها هم تحت نظم خاصی در میآیند و این تنها مربوط بمقررات راهنمایی کشور سعودی نیست .

این اجتماع حج در طواف کعبه و بیابان عرفات با این حدود و شرائط در واقع سان بشریت است . این تحقق آرزوی بشریت است . در عرفات همینکه همه حق همدیگر را شناختند و بوظائف بندگی خود عارف شدند از آنجا شب عید قربان به مشعر الحرام میروند

چه نامهای و عناوین دلربائی : عرفات ، مشعر الحرام ، محل بیداری شعور یا شعار حق پرستی و محیطیکه احترام و حرمت بشریکه

دائم بر سر و کله هم میزنند و زندگی را محیط تنازع ساخته اند باین علت است که شعور انسانیشان و حرمت آن از میان رفته بیدار میشود و همه در حریم امن درمی آیند .

پس از طی این مراتب روز قربان با آخرین مدارج حج که قربانی باشند میرسند .

چرا قربانی میکنند؟

این قربانی دستوریست بجای قربانی انسانی : گویا پس از اتمام ساختمان خانه بوسیله ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام - ابراهیم سه شب متوالی در خواب دید که باید فرزندش را قربانی کند . این آخرین مرحله ایست که خدا و فرمان او بر تمام عوطف انسانی تسلط پیدا میکند این معنی اسلام است همان اسلامی که ابراهیم برای خود و پسرش اسماعیل درخواست کرد : **ربنا واجعلنا مسلمین لك ؟** . تا سه شب این خواب بسر ایش آمد . آیا واقعاً این دستور حقیقت داشت؟ نه، جنبه امتحان داشت . به پسرش اسماعیل گفت **«انی اری فی المنام انی اذبحك»** گفت در خواب می بینم که تو را ذبح مینمایم . پسرش چنانکه قرآن از زبان او نقل میکند بیدرنگ گفت : **یا ابت افعل ما تؤمر به من انشاء الله من الصابرين** : پدر جان مأموریت خود را انجام ده بخواست خدا مرا از صابرين خواهی یافت .

گویند ابراهیم چشم اسماعیل را بست . تا مبادا چشمهای پر از عاطفه پدر و پسر بهم بیفتد و دستش بلرزد . کارد بدست گرفت . . . چه مرحله ای از این فداکاری بالاتر است که تسلیم اراده خدا و حق مطلق شوند . مظهر کامل ایمان و فداکاری در راه ایمان همین و آخرین مرحله تسلیم است . چون بدین مرحله رسید خداوند ندادرداد : **«یا ابراهیم**

قد صدقت الرؤیا ای ابراهیم خوابت را محقق کردی . حال بجایش
گوسفندی ذبح کن و نتیجه این شد که آخرین مدارج حج تسلیم مطلق
وفنا و فداکاری کامل در راه خدا و باراده و دستور خدا است . این تسلیم و
فناء در صورت قربانی کردن فرزند دلبنده بدست خود و آرامش و سکونت
تجلی کرده ، آیا بالاتر و کاملتر از این میشود ؟

اینک چند آیه از سوره حج : ان الذین کفروا و یصدون

عن سبیل الله والمسجد الحرام الذی جعلناه للناس . . . آیه ۲۵ ،

آنانکه کافر شده و در راه خدا سد میشوند و مردم را از آن باز میدارند
، از مسجد الحرام باز میدارند . . . راه خدا در زمین و یا آسمان یا نقطه
معینی نیست ، از این جهت پس از سبیل الله مسجد الحرام آمده که مظهر
مادی و محسوس راه خدا است که راه کمال و خیر بشریت است .
« واذبوا انالابراهمیم مکان البیت . . . » چون ابراهیم را از هر سو

گردانیدیم و در مکان خانه او را جای دادیم و فرمان دادیم که هیچگونه شرک
بمن نیاورد و خانه مرا پاک نگهدار . . . **« واذن فی الناس بالحج یا تونک**

رجالا . . . » بمردم برای حج نداده تا پیاده و سوار بر هر مرکب

لانغر و از هر دره عمیق روی میآوردند . - برای روی آوردن بحج احتیاج
به تبلیغ و عوامل مادی نیست؛ همان جاذبه خدائی و مقام انسانی مردمی را

بسوی این خانه میکشاند . میآیند برای آنکه بهره‌های انسانی خود را

بنگرند و نام خدا را در روزهای معلوم بیاد آرند بر آنچه خداوند از حیوانات

زبان بسته روزیشان کرده بخورند و بدرمانده و بینوا بخوراند .

بخورند بنام خداوند ، اول باید بمقام انسانی رسید و باز که خداوند

فکر و روح را برتر آورد تا حیوانات برای انسان حلال شود و گرنه بچه

حقی می‌تواند حیوانات بی‌زبان را قربانی خود کرد «ثم ليقضوا نفوسهم و
 ليقفوا نذورههم...» سپس از آلودگی‌ها خود را پاک سازند و از
 آلودگی خود را برهانند و عهدها و نذرهای خود را انجام دهند. و باین‌خانه
 کهن طواف کنند. «ذلك و من يعظم حرمة الله فهو خير له...»
 چنین است که هر که حرمت‌های الهی را معظم دارد برای او نزد
 پروردگار خیر است، و حلال شده برای شما چهار پایان جز آنچه برای
 شما بیان شده. پس باید از پلیدی‌تان و از گفتار ستمکارانه و دروغ‌خود
 را برکنار دارید. همه با اخلاص کامل بخدای رو آرید و باو شرك
 نیاورید. آنها که بخدا شرك میشوند و باو تسلیم نمی‌گردند، گویا از
 آسمان (یا سطح عالی انسانی) فرو افتاده. چنان دستخوش هواها میشود که
 مرغ او را می‌رباید و چنان سبک و بی‌ارزش می‌گردد که باد او را در جای
 دوردست و پرتگاه‌های نا پیدائی پرت میکند، آری چنان انسان مشرك
 و منقطع از حق یا باید خورده و طعمه‌لاشخورها شود، یا باید او را بجای بی
 نام و نشانی پرت کند.

«ذلك و من يعظم شعائر الله فانها من تقوى القلوب» چنین است
 هر که معظم میدارد شعائرهای خدائی را این از تقوای قلوب آنان است...
 آنگاه آیات بعد منافع شعارها را تذکر میدهد و مناسک و آداب دینی
 ملل را در باره گوشت حیوانات، قربانی آنها بنام خدا. تا همه خدای واحد
 را بپرستند و تسلیم او شوند سپس میفرماید:

«وبشر المخبتين» بشارت بده آنرا که رو بخدا می‌آورند و چون
 نام خدا را می‌آورند قلبشان شاد میشود و بنجلی در می‌آید. در مقابل مشکلات
 خود را نمی‌بازند و صبر میکنند، نماز بپایدارند و از آنجا بآنها روزی

کرده ایم اتفاق میکنند آنگاه میگویند شترهای قربانی را از شعائر الهی قرار دادیم که در آنها خیر است و نام خدا را در حالیکه در صرف در آمده اند یا شترهایی که لاغر و مردنی نشده اند که پشمشان ریخته باشد بر آنها بخوانید و از آن بخورید و بقانعین و بینوایان بخورانید اینها را مسخرش گردانیدیم، باشد که شکر گزار شوید، و قتی که پهلوی این قربانیها بزمین آمد آنچه پس از قربانی شدن و خوردن گوشت آنها جنبه ثابت خدائی دارد گوشت و خون آن نیست بلکه محصول آن تقوای شماست. يك قسمت گوشتی است که بشما میرسد ولی قسمت دیگر جنبه ابدی دارد که جنبه خدائی ثابت می ماند. این خلاصه مضامین حج و شعائر و دستورات قربانی و آثار و نتایج و اسرار آنست. چنانکه بیان شد حج و مجموع دستورات و مناسک آن تا قربانی يك مجتمع عملی و تحول تحقیقی است در وضع و فکر و اراده انسانی - پس از این تحول و الهام گرفتن از این مناسک اول وظیفه جهاد و مبارزه برای تحقق بخشیدن این صورت عالی الهی در مجامع بشری است. کار و وظیفه الهی با انجام حج پایان نمی یابد بلکه پس از دریافت هدف و تمرین آمادگی اول وظیفه وسیع افرادیست که تسلیم حق مطلق شده اند. گویا از همین جهت که پس از آیات تعالیم حج و قربانی، دستور جهاد آغاز میگردد: **ان الله يدافع عن الذين آمنوا... تا آخر آیه ۴۱**، خلاصه مضمون این آیات: خداوند از کسانی که ایمان آورده دفاع میکند (آنها که دارای ایمان باین هدفهای عالی هستند و صف خود را فشرده کرده اند). خداوند خیانتکاران کفر پیشه را دوست نمیدارد (این مؤمنین یقین بدانند خداوند برای طرد خیانتکاران و کفر پیشه گان پشتیبان مؤمنان است) بآن کسانی که موردتهاجم و ستم واقع شده اجازه کارزار داده شد و خدا بنصرت اینها بس توانا است. آنهائیکه

بناحق از خانه و دیار خود رانده شده اند گناه آنبا همین است که میگویند پروردگار ما خدا است. (سپس سر عمومی نظام جنگ را بیان میفرماید:) اگر نه این باشد که خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع می کند همه معابد و مساجدیکه نام خدا در آن برده میشود منهدم و خراب میشود. خداوند بطور حتم کسانی را که او را یاری میکنند (هدف مقدس الهی را یاری میکنند). خدا بس نیرومند و تواناست (هدف نهائی مجاهدین و صفوف آنها چیست؟) آنهایکه اگر در زمین استقرار و مکانت یافتند نماز زیبای دارند و زکوٰه میدهند و بمعروف امر و از منکر نهی میکنند و عاقبت کارها از آن خدا است.

ملاحظه میفرمائید که حج از آداب احرام و مناسک آغاز میگردد و قربانی پایان می یابد، قربانی حیوانات تذکر و توجه قربانی شدن انسان در راه خدا است، پس از حج که آمادگی برای فداکاری، و قربانی دادن است و وظیفه و جهاد در راه خدا پیش می آید و وظیفه بهمان عنوان حاجی شدن تمام میشود در هیچ ملتی چنین عیدی نیست که همه اش عمل و تحقق آرمانهای انسانی باشد و بعنوان عید خوانده شود.

قربانی و فداکاری در راه خدا کاملترین مقام انسان و برترین راه برای از میان بردن مزاحمین راه حق و عدل است با این جنگ فی سبیل الله (جهاد) است که میتوان جنگهای اقتصادی و مادی را از میان بردود در زمین حق و عدل را مستقر ساخت. پس عید قربان رمز ظهور کمال انسانی و هدف انسانی است حج با مقاصد عالی و در مرتبه عالی فداکاری و قربانی دادن در آخر سال شصت هجری و اول شصت و یک بصورت قهرمانی فوق تصور و تخیل ظاهر شد در همان سال که معاویه پس از بیست سال سلطه شوم خود مرد، معاویه

پرده ضخیمی از ریاض و تزویر بر نفوس مسلمانان کشید و عامه مسلمین را در حال بیخردی و دوری از تعالیم دین نگهداشت و دین خدا را بار سوم ارتجاعی جاهلیت مسخ کرده ، پس از او فرزند جاهل و کفر پیشه فاسقش در چهره خلافت اسلامی در آمد . در این سال عده زیادی از مسلمانان بمکه روی آوردند تا هم اعمال حج انجام دهند و هم در آن کنگره بزرگ و اجتماع سران اسلام و وظیفه خود را تشخیص دهند . در گوشه ای از مکه و کنار خانه خدا و در شب هشتم ذیحجه که حجاج آماده مناسک اساس حج می شوند از میان سرا پرده ای که فرزند خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و وارث فکر و خون ابراهیم خلیل حسین ابن علی جای داشت ، صدائی با کلمات شمرده و محکم که حاکی از قدرت و تصمیم گوینده بود طنین انداخت :

« الحمد لله ، وما شاء الله ، ولا قوة الا بالله ، خط الموت علی

ولد آدم مخط القلادة علی جید الفتاة » سپاس مر خدا یر است ، و مشیت از آن اوست ، و هیچ قدرتی جز با او و بوسیله او نیست . مرگ بر فرزندان آدم حتمی و خط زیبائی است مانند گردن بند بر گردن و سینه دوشیزه جوان . « وما اولهنی الی اسلافی اشتیاق یعقوب الی یوسف » چه قدر من واله نیا کان گذشته خود هستم ، چون اشتیاق یعقوب بیوسف ، « و خیر لی مصرع انالاقیه » برای من قتلگاهی بر گزیده شده که بملاقات آن شتابانم . « کانی باوصالی تمقطعها عسلان القلوات بین النواویس و کربلاء » گویا مینگرم که بندهای اعضای مرا اگر گان حریص بیابان های میان نواویس و کربلاء قطعه قطعه میکنند « فیما لان منی اگر ادا جونا واجربة سفیا ، شکم های گرسنه و تهی خود را از پاره های تن من پرمیکنند - (همان گر گهای حریص و گرسنه آدم نما) « لامحیص

عن يوم خط بالقلم : از روزیکه قلم تقدیر سر نوشت کرده چاره‌ای نیست ، **«رضا الله رضا اهل البيت»** خوشنودی ما اهل بیت همان خوشنودی خداوند است **«نصبر على بلائه ويوفينا اجر الصابرين»** : با گرفتاریها و امتحانات خدائی صبر میکنم او بما پاداش کامل صابرين را خواهد داد . **«لن نشد عن رسول الله (ص) لجمته، بل هي مجموعة له في حظيرة القدس»** تارپود پیمبر خدا از او جدا دور نخواهد ماند ، تارپود ورشته های پراکنده پیمبر جمع آوری شده و در پیشگاه قدس الهی همه پیوسته و جمع خواهد شد **«تقر بهم عينه وينجز لهم وعده»** چشمان پیمبر بانها روشن و وعده های او برای آنها منجز می شود ، **«الا ومن كان فينا باذلا مهجته موطناً على لقاء الله نفسه فليرحل معنا فاني راحل مصححاً انشاء الله»** هشیار باشید: هر آن کس کدر میان ما و در راه ما و مقصد ما خون دل خود را رایگان بخشد ، و برای ملاقات خداوند توطن نفس مینماید با ما کوچ کند چه من همین با ممدادان کوچ خواهم کرد انشاء الله این خطا به و اعلامیه از وارث کعبه و بنیان گذار آن در شب هشتم ذیحجه اعلام تصمیم ، اعلام سر واقعی حج ، اعلام هدف نهائی و تحقق آن بود ، همان سر یستکه قرآن پس از آیات حج اعلام نموده ، در این زیبائی مرگ رادر راه خدا بیان فرموده و نهایت آن را که حیات ابدی در پیشگاه قدس الهی است نشان داده ، و تاپاره پاره شدن بدن ها و پیکر خود و یارانش را با دندان و چنگال گرگان گرسنه پیش بینی فرموده و تسلیم کامل خود را به خواست و رضایت او بیان داشته و در پایان تنها کسانی را به همراهی و همقدمی خود دعوت کرده که یکسره ملاقات خدا را جویند و در این راه آخرین قطره خون قلب خود را با شوق و رضایت بخشند یعنی هوا و دنیا و فتح و پیروزی دنیوی

درمیان نیست درمیان آن همه حجاج فقط اند کی باین حقیقت توجه کردند
 و سرّ الاسرار حج را درك کردند باقی مسلمانان پیرامون کعبه درك نکردند
 که حج مقدمه و تعلیم برای تحقق بخشیدن و توسعه دادن آن بهممه مجتمعات
 بشری است بعضی هم از روی نادانی و یادسیسه عوامل بنی امید معترض بودند
 که چرا حسین ابن علی در ایام حج آن را ترك کرد و حج را بدل بعمره مفرده
 نمود آیارساترو گویاتر از این هدف حج را از پرورش یافته دامن وحی و کعبه
 میتوان بیان کرد: که وقتی که وظیفه ایجاب کرد باید بمقصد حج پرداخت نه
 بظاهر آن، و باید بدل قربانی های درمیان کوههای منی را بقربانی واقعی
 و مردان فدا کار که همان قربانی اصیل اسماعیل ذبیح است تبدیل نمودنه، بلکه
 این قربانیها بدل و عوض آنست، ولی حجاج آن روز مانند همیشه بطواهر
 خوشنودند و همان را وظیفه و تکلیف نهائی مینندارند

آیا اسلام دین خون و شمشیر است ؟

این نکته بر هیچکس پوشیده نیست که عقیده کسی را نمیتوان با قوه قهریه و فشار و اجبار تغییر داد، زیرا عقیده عبارت از یک حالت روحی است بنام ایمان که باریشده جان انسان بسته شده و ریشه آن با عقل و فکر آدمی گره خورده و پیوند محکم داشته باشد،

و چون حقیقت ذاتاً و طبعاً باور کردنی و خواستنی است و روح و عقل بشر ذاتاً و طبعاً مشتاق و تشنه حقیقت است، از این رو هر چیزی را که انسان حقیقت پنداشت باور میکند و بآن عشق میورزد و از آن دفاع مینماید و هر چیزی را که برخلاف حقیقت بداند و یا در حق و باطل بودن آن شك داشته باشد نمیتواند باور کند، بنابراین عقیده و ایمان، نه از نظر جنبه مثبت و نه از نظر جنبه منفی قابل اجبار نیست یعنی ممکن نیست با فشار و اجبار، عقیده ای را بر انسان تحمیل کرد، و یا عقیده ای را از او سلب نمود.

قرآن کریم این حقیقت روشن را با کمال صراحت اعلام میکند و می گوید **لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی (۱)** یعنی در دین هیچگونه اکراهی نیست، زیرا حق از باطل و درست از نادرست ممتاز و جداست و روی این حساب اگر کسی فردی یا ملتی را در گمراهی ببیند، و بخواهد آن فرد یا ملت را براه صحیح دعوت کند، راه درست و عاقلانه اینست که